نظام هستی (کهکشان‌ها، ستارگان، سیارات، سحابی‌ها)

از دیدگاه روایات اسلامی و آیات قرآن کریم

سوره حمد آیات ۱و۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشنده مهربان

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

حمد و سپاس مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است

در بهترین اوقات من

هنگامی بود که احساس می‌کردم به تو نزدیک شده‌ام

اما به یک‌باره همه‌چیز بهم ریخت

از آن لحظه‌ای که از عشق تو منحرف شدم

در هر لبخند

در هر آهی

در کوچک‌ترین لحظات

نشانه‌هایی از تو در آن‌جا پیدا می‌شود

هر جا که هستی تو را خواهم یافت

چون تنها کسی هستی که به سویش حرکت می‌کنم

هر جا که باشی من با تو خواهم بود

چون تو تنها کسی هستی که تمام قلبم از آنِ اوست

من به تو نیازمندم

برای دیدن لبخندت...

هر آزمونی را خواهم داد

با سختی انتظار خواهم کشید

برای روزی که دوباره در کنار تو باشم

هر جا که هستی تو را جستجو می‌کنم

چون تنها کسی هستی که به سویش حرکت می‌کنم

هر جا که هستی تو را دنبال خواهم کرد

چون تنها کسی هستی که به سویش حرکت می‌کنم

هر جا که باشی من با تو خواهم بود

چون تو تنها کسی هستی که عشقم از آنِ اوست

عشقم از آنِ اوست

هر جا که باشی...

دنبالت خواهم کرد تا تو را ببینم

تو در قلب من خواهی بود

تنها عشق تو را نیاز دارم

در هر لبخندی در هر آهی

در کوچک‌ترین لحظات

نشانه‌هایی از تو آن‌جا پیدا می‌شود

هر جا که باشی...

خواهم گشت تا روز دیدار

تو در قلب من خواهی بود

عشق تو تنها نیاز من است

هر جا که باشی

بی‌تو خسته

بی‌تو دل بشکسته

ای عشق جاویدان

بی‌تو من سرگردان

هر کجا هستی

من هستم

تنها به تو، دل بستم

هر کجا هستی

من هستم

تنها به تو من دل بستم

هر کجا باشی

آن‌جایم

ای همه خواب و رویایم

رویایم

هر کجا که باشی آیم تا بینمت

در قلب من هستی

محتاجم بر عشقت

در هر لبخند تو

آهی که تو سینه‌هاست

در ذرات هستی

آثار تو پیداست

هر کجا که باشی

خواهم آمد سویت

در قلب من هستی

محتاجم بر عشقت

هر کجا که باشی

سوره الملک آیات ۱تا۱۰

تَبَارَکَ الَّذِی بِیَدِهِ الْمُلْکُ وَ هُوَ عَلَیٰ کُلِّ شَیْءٍ قَدِیر

پر برکت و زوال‌ناپذیر است کسی که حاکمیت و مالکیت (نظام‌هستی) به دست اوست، و بر هر چیز تواناست.

الَّذِی خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا مَّا تَرَیٰ فِی خَلْقِ الرَّحْمَٰنِ مِن تَفَاوُت فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَیٰ مِن فُطُور

همان کسی که هفت آسمان را بر فراز یک‌دیگر آفرید. در آفرینش خداوند رحمان هیچ تضاد و عیبی نمی‌بینی. بار دیگر نگاه کن، آیا هیچ شکاف و خللی مشاهده می‌کنی؟!

ثُمَّ ارْجِعِ الْبَصَرَ کَرَّتَیْنِ یَنقَلِبْ إِلَیْکَ الْبَصَرُ خَاسِئًا و َهُوَ حَسِیرٌ

سپس بار دیگر (به عالم هستی) نگاه کن، سرانجام چشمانت (در جستجوی خلل و نقصان) ناکام مانده و خسته و ناتوان به سوی تو باز می‌گردد.

وَ لَقَدْ زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ وَ جَعَلْنَاهَا رُجُومًا لِّلشَّيَاطِينِ وَ أَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابَ السَّعِيرِ

ما آسمان پایین را با چراغ‌های فروزانی زینت بخشیدیم، و آن‌ها را تیرهایی برای (راندن) شیاطین قرار دادیم، و برای آنان عذاب آتش فروزان فراهم ساختیم.

وَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَ بِئْسَ الْمَصِيرُ

و برای کسانی که به پروردگارشان کافر شدند عذاب جهنم است، و چه بد فرجامی است!

إِذَا أُلْقُوا فِيهَا سَمِعُوا لَهَا شَهِيقًا وَهِىَ تَفُورُ

هنگامی که در آن افکنده شوند صدای وحشتناکی از آن می‌شنوند، در حالی که پیوسته فوران می‌کند!

تَكَادُ تَمَيَّزُ مِنَ الْغَيْظِ كُلَّمَا أُلْقِىَ فِيهَا فَوْجٌ سَأَلَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ

نزدیک است (دوزخ) از شدّت غضب پاره پاره شود. هر زمان که گروهی در آن افکنده می‌شوند، نگهبانان دوزخ از آن‌ها می پرسند: "مگر بیم دهنده الهی به سراغ شما نیامد؟!"

قَالُوا بَلَىٰ قَدْ جَاءَنَا نَذِيرٌ فَكَذَّبْنَا وَ قُلْنَا مَا نَزَّلَ اللَّهُ مِن شَىْءٍ إِنْ أَنتُمْ إِلَّا فِى ضَلَالٍ كَبِيرٍ

می‌گویند: "چرا، بیم دهنده‌ای به سراغ ما آمد، ولی ما (او را) تکذیب کردیم و گفتیم: "خداوند هرگز چیزی نازل نکرده، و شما در گمراهی بزرگی هستید."

وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ

و می‌گویند: "اگر ما گوش شنوا داشتیم یا تعقل می‌کردیم، در میان دوزخیان نبودیم."

یاران حضرت پرسیدند؛ یا رسول اللّه، آیا خداوند با چیزی از خلقش جز آسمان‌ها پنهان شده است؟ فرمود: آری میان او و فرشته‌های گرد عرش ۷۰ پرده از نور است، و ۷۰ پرده از ظلمت، ۷۰ پرده از آویزهای دیبا، ۷۰ پرده از آویزه‌های سندس، ۷۰ پرده از در سفید، ۷۰ پرده از در سرخ، ۷۰ پرده از در زرد، ۷۰ پرده از در سبز، ۷۰ پرده از روشنی، ۷۰ پرده از برف، ۷۰ پرده از آب، ۷۰ پرده از تگرگ، ۷۰ پرده از عظمتی که وصف نشدنی است.

رسول خدا صلی اللّه علیه و اله فرمود؛ جبرئیل گفت: میان من و پروردگارم ۷۰ حجاب از نور و آتش است که اگر نزدیک‌ترین آن‌ها را ببینم می‌سوزم. از سدرة المنتهی بیرون شدم تا به یکی از حجب عزّت رسیدم، و آن‌گاه به حجاب بعدی مسیر را ادامه دادم و با براق هفتاد حجاب را در نوردیدم که میان هر دو حجابی پانصد سال راه بود، در علیین، دریاها، نورها و حجاب‌ها و جز آن دیدم که اگر آن‌ها نباشند هر آن‌چه از نور عرش، زیر عرش است، می‌سوزد.

در آسمان هفتم دریاهایی از نور دیدم بسیار درخشان و متلالاء، نزدیک بود از درخشش آن چشم‌ها کور شوند، و دریاهایی تاریک، و دریاهای برف و یخ که رعد و برق می‌زد، و هر بار که می‌ترسیدم از جبرئیل می‌پرسیدم، و جبرئیل می‌گفت: مژده و بشارت باد بر تو ای محمد! و کرامت پروردگارت را شکر کن، و به خاطر لطف پروردگارت، حمد و ثنای او را به‌جا آور؛ خداوند با قدرت و مساعدت خود، به من قوت قلب و ثبات داد و از جبرئیل بسیار سؤال‌ها پرسیدم و بسیار از آن چه دیدم تعجب نمودم. ای محمد! آن چه می‌بینی به نظرت بزرگ و عظیم است؟! این تنها یکی از آفریده‌های پروردگار توست، پس آن خالقی که چنین مخلوقی را آفریده چگونه است؟! و آفریده‌هایی بزرگ و عظیمی که تو نمی‌بینی [چگونه است]؟! میان خداوند و خلق او هفتاد هزار حجاب وجود دارد و نزدیک‌ترین مخلوق خدا به او من و اسرافیل هستیم که بین ما و خدا چهار حجاب وجود دارد: حجابی از نور، حجابی از ظلمت و تاریکی، حجابی از ابر و حجابی از آب.

چون «إِنَّا أَعْطَيْنَاکَ الْکَوْثَرَ» نازل شد، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بر منبر رفت و این سوره را برای مردم قرائت فرمود. چون ایشان از منبر پائین آمد، عرض کردند: ای رسول خدا! این کوثر چیست که خداوند به شما عطا کرده است؟ فرمود: نهری است در بهشت که سفیدتر از شیر و راست‌تر از تیر ناتراشیده و طعم آن از عسل شیرین‌تر است. کناره‌هایش تپّه‌های درّ و یاقوت است و پرندگانی سبز با گردن‌هایی هم‌چون گردن شتران تنومند وارد آن می‌شوند.

سوره زمر آیه۲۰

لَٰكِنِ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ غُرَفٌ مِّن فَوْقِهَا غُرَفٌ مَّبْنِيَّةٌ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَعْدَ اللَّهِ لَا يُخْلِفُ اللَّهُ الْمِيعَادَ

ولی برای آن‌ها که تقوای الهی پیشه کردند، غرفه‌هایی در بهشت است که بر فراز آن غرفه‌های دیگری بنا شده و از زیر آن نهرها جاری است. این وعده الهی است، و خداوند در وعده خود تخلّف نمی‌کند.

فقط مدت کمی مانده

تا به ساحل برسم

جایی که دیده‌ام

پیش از این هرگز آن‌جا نبوده‌ام

اکنون تخته پاره‌ای بر روی آب هستم

و متمایل به سوی خانه‌ام

مرا از دریا بیرون بکش

و آن‌چه را از من باقی مانده نجات بده

چون خسته و فرسوده‌ام

از امواج طوفان‌ها
پس اشتباهات مرا ببخش
اکنون تخته پاره‌ای بر روی آب هستم
و متمایل به سوی خانه‌ام
مرا از دریا بیرون بکش
و آن‌چه را از من باقی مانده نجات بده
چون خسته و فرسوده‌ام
از امواج طوفان‌ها
تصمیم خود را گرفته‌ام
برای بازگشت به زمین خشک‌تر
پس اشتباهات مرا عفو کن

تو ای خدایِ عالم و آدم
نجاتم ده از این همه غم
در کام طوفان ماندم سرگردان
برس بر دادم ای نور ایمان
به تو رو کردم با چشمی گریان
من بی‌تو هیچم

ابر بارانم

دور از یارانم

رها کن یا رب

از این زندانم

نمانده طاقت

در جسم و جانم

ببخش از رحمت

سر و سامانم

من بی تو هیچم

اکنون تخته پاره‌ای بر روی آب هستم

و متمایل به سوی خانه‌ام

مرا از دریا بیرون بکش

و آن‌چه را از من باقی مانده نجات بده

نمانده طاقت

در جسم و جانم

ببخش از رحمت

سر و سامانم

من بی تو هیچم

پس اشتباهات مرا عفو کن

از علی بن ابی طالب درباره حجاب‌های آسمان پرسیدند؛ امام در پاسخ فرمودند: حجاب‌ها در هفت است، اندازه هر حجابی پانصد سال راه است و میان هر دو حجاب پانصد سال، حجاب دوم هفتاد هزار حجاب که میان هر دو حجاب پانصد سال است و در ازای آن پانصد سال. دربانان هر حجاب هفتاد هزار فرشته‌اند که هر کدام نیروی همه پری و آدمی را دارند، برخی از آن حجاب‌ها تاریکی‌ست، برخی نور، آتش، دود، ابر، برق، رعد، روشنی، ریگ، کوه، غبار، آب، برخی نهرهاست آن‌ها حجاب‌های گوناگون‌اند که کلفتی هر حجابی هفتاد هزار سال است. آن‌گاه سراپرده‌های جلال که شصت‌سرا پرده‌اند و در هر سراپرده هفتاد هزار فرشته و میان هر سراپرده تا سراپرده دیگر فاصله پانصد سال است. بعد از آن سراپرده ارجمندیست، سپس سراپرده کبریاء بعدا سراپرده عظمت، سپس سراپرده قدس، جبروت، فخر آن‌گاه سراپرده نور سفید، سپس سراپرده یگانگی که هفتاد هزار سال در هفتاد هزار سال، سپس حجاب اعلی‌ست.

سوره التغابن آیات ۱و۴

يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِی السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِی الْأَرْضِ لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ وَ هُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

آن‌چه در آسمان‌ها و آن‌چه در زمین است برای خدا تسبیح می‌گویند. مالکیّت و حاکمیت و ستایش مخصوص اوست. و او بر همه چیز تواناست.

يَعْلَمُ مَا فِی السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ يَعْلَمُ مَا تُسِرُّونَ وَ مَا تُعْلِنُونَ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ

آن‌چه را در آسمان‌ها و زمین است می‌داند، و از آن‌چه پنهان یا آشکار می‌کنید باخبر است. و خداوند از آن‌چه در درون سینه‌هاست آگاه است.

رسول خدا صلی اللّه علیه و آله؛ جبرئیل در شب معراج گفت: میان خدا و خلقش ۹۰ هزار حجاب است، و نزدیک‌ترین خلق به خدا، من و اسرافیل هستیم، و میان ما و او چهار حجاب است؛ حجابی از نور، دیگر از ظلمت، و حجابی از ابر، و دیگری از آب. درازا و پهنای هر آسمانی پانصد سال و فاصله میان هر دو آسمان هم پانصد سال و ساکنان هر آسمانی سپاهی از فرشته‌ها که شمار آن‌ها را جز خدای تعالی نمی‌داند. سپس امام صادق علیه‌السلام فرمود؛ خورشید ۷۰/۱ از نور کرسی است، و کرسی ۷۰/۱ از نور عرش، و عرش ۷۰/۱ از نور حجاب، و آن، ۷۰/۱ از نور ستر است.

سوره السجده آیات ۴الی۶

اللَّهُ الَّذِی خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ وَ مَا بَیْنَهُمَا فِی سِتَّهِ أَیَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَیٰ عَلَی الْعَرْشِ مَا لَکُم مِّن دُونِهِ مِن وَلِیٍّ وَ لَا شَفِیعٍ أَفَلَا تَتَذَکَّرُونَ

خداوند کسی است که آسمان‌ها و زمین و آنچه را میان این دو است در شش روز [=شش دوران] آفرید، سپس بر عرش (قدرت و تدبیر جهان هستی) قرار گرفت. هیچ سرپرست و شفاعت کننده ای برای شما جز او نیست. آیا متذکّر نمی‌شوید؟!

یُدَبِّرُ الْأَمْرَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَی الْأَرْضِ ثُمَّ یَعْرُجُ إِلَیْهِ فِی یَوْمٍ کَانَ مِقْدَارُهُ أَلْفَ سَنَهٍ مِّمَّا تَعُدُّونَ

امور (این جهان) را از آسمان به سوی زمین تدبیر می‌کند. سپس در روزی که مقدار آن هزار سال از سال‌هایی است که شما می‌شمرید به سوی او بالا می‌رود.

رسول‌خدا در بیان شب معراج شرح داد؛ بر فرشتگانی از فرشتگان خدای عزوجل گذشتیم که خداوند، آنان را چنان که خواسته بود، آفریده و چهره‌های‌شان را آن‌سان که خواسته بود، قرار داده بود. هیچ لایه‌ای از پیکرهای آنان نبود، مگر آن‌که خدای را تسبیح می‌گفت و از هر سو با صداهای گوناگون، او را می‌ستود.

صداهای‌شان به ستایش گویی و گریه از ترس خدا، بلند بود. در همان آسمان اول، فرشته‌ای را دیدم که پیکر شگفتی داشت. نیمی از بدن او از آتش و نیمه دیگرش از یخ آفریده شده بود. شگفت‌تر آن بود که نه گرمای آتش، یخ او را آب می‌کرد و نه سرمای یخ، آتشش را خاموش می‌کرد، او با صدایی آرام می‌گفت: می‌ستایم آن کسی را که کفایت فرمود تا حرارت این آتش، یخ را ذوب و سردی این یخ، آتش را خاموش نکند. پروردگارا! ای کسی که این چنین بین آب و آتش سازش داده‌ای! میان قلب‌های بندگانت نیز سازش و محبت قرار بده.

خداوند تعالی عرش و کرسی را از نورش آفرید و عرش به کرسی چسبیده، و فرشته‌ها درون کرسی‌اند، و پیرامون عرش چهار نهر است؛ نهری از نور که می‌درخشد، نهری از آتش که زبانه می‌کشد، و نهری از برف سفید که دیده‌ها را خیره می‌کند، و نهری از آب، و فرشته‌ها در این نهرها ایستاده‌اند، و خدا را تسبیح می‌گویند، عرش به شماره زبان همه خلق زبان دارد، و با همه آن‌ها خدا را تسبیح و ذکر می‌گوید.

سوره الغافر آیه۷

الَّذِینَ یَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَ مَنْ حَوْلَهُ یُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَ یُؤْمِنُونَ بِهِ وَ یَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِینَ آمَنُوا رَبَّنَا وَسِعْتَ کُلَّ شَیْءٍ رَّحْمَهً وَ عِلْمًا فَاغْفِرْ لِلَّذِینَ تَابُوا وَ اتَّبَعُوا سَبِیلَکَ وَ قِهِمْ عَذَابَ الْجَحِیمِ

فرشتگانی که حاملان عرشند و آن‌ها که گرداگرد آن (طواف می‌کنند) تسبیح و حمد پروردگارشان را می‌گویند و به او ایمان دارند و برای مؤمنان آمرزش می‌طلبند (و می‌گویند:) پروردگارا! رحمت و علم تو همه‌چیز را فرا گرفته است. پس کسانی را که توبه کرده و راه تو را پیروی می‌کنند بیامرز، و آنان را از عذاب دوزخ نگاه‌دار.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند، دریایی از نور دارد که پیرامون آن، فرشتگانی از نور بر فراز کوهی از نور هستند و در دست‌های‌شان، نیزه‌هایی از نور است که پیرامون آن دریا، به تسبیح‌گویی مشغول‌اند. سپس علی بن ابی طالب علیه‌السلام فرمودند: در طبقات آسمان‌ها جایی به اندازه تخته‌پوستی وجود ندارد، مگر این‌که بر آن فرشته‌ای سجده‌کنان است، یا کوشا و چالاک. بر اثر طاعت دراز مدّت، علم و معرفت آن‌ها نسبت به پروردگارشان افزون می‌شود و عزّت و اقتدار پروردگارشان در دل‌های آن‌ها پر شکوه‌تر می‌گردد.

سوره الفاطر آیه۱

الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ جَاعِلِ الْمَلَائِكَهِ رُسُلًا أُولِی أَجْنِحَهٍ مَّثْنَىٰ و ثُلَاثَ وَ رُبَاعَ یَزِیدُ فِی الْخَلْقِ مَا یَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَیْءٍ قَدِیر

ستایش مخصوص خداوندی است که آفریننده آسمان‌ها و زمین است، که فرشتگان را رسولانی قرار داد دارای بال‌های دوگانه و سه گانه و چهارگانه، او هرچه بخواهد در آفرینش می‌افزاید، زیرا خداوند بر هر چیزی تواناست.

به دنبال واژه‌هایی گشتم...

تا زیبایی تو را توصیف کنم

اما هر چقدر تلاش کردم

هیچ واژه‌ای شایسته نبود

کوشش کردم تا...

کلمه مناسبی برای تو بیابم

لغات عاجزند از توصیفِ...

آن‌چه در اعماق وجود من است

پاک و منزه است خدا، و ستایش مخصوص خداوند است، خدایی جز الله وجود ندارد، و خدا بزرگتر است

زمین و آسمان‌ها، جن و انس

همه، تو را ستایش می‌کنند

پس هر دو جهان مست می‌شوند

وقتی روح، این کلام را تلاوت می‌کند

پاک و منزه است خدا، و ستایش مخصوص خداوند است، خدایی جز الله وجود ندارد، و خدا بزرگتر است

در هوای تو

پر می‌گشایم

به‌امیدی که روزی

سوی تو آیم

در وصف تو

جمله‌ها را گشتم

کلمه‌ای نجستم

جز این‌که گویم

پاک و منزه است خدا، و ستایش مخصوص خداوند است، خدایی جز الله وجود ندارد، و خدا بزرگتر است.

پیامبر خدا صلی اللّٰه علیه و آله؛ شبی که به معراج بُرده شدم، در بهشت، نهری دیدم که از شیر، سفیدتر و از شَهْد، شیرین‌تر و از تیر، راست‌تر بود و در کنار آن، آب دستانی به شمارِ ستارگان وجود داشت و بر ساحلش، گنبدهایی از یاقوت سرخ و دُرّ سفید بود. در بیان دیگر فرمود؛ کوثر، نهری است در بهشت که دو کرانه آن از طلاست و بسترش دُر و یاقوت، و خاکش خوش‌بوتر از مُشك، و آبش شیرین‌تر از عسل و سفیدتر از برف است...

هنگامی که بنده‌ای در نماز خود بگوید: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، و حمد و سوره را با اخلاص بخواند خداوند به فرشتگان خود می‌گوید: آیا می‌بینید بنده‌ام چگونه از خواندن کلام من لذت می‌برد؟ شما را گواه می‌گیرم که در قیامت به او خواهم گفت: در بهشت‌های من بخوان و در درجاتی که قرار داده‌ام بالا برو. پس او همواره می‌خواند و به اندازه هر حرف درجه‌ای بالا می‌رود که یک درجه از طلا و درجه دیگر از نقره و دیگری از مروارید و درجه دیگر از گوهر و درجه ای از زبرجد سبز و درجه‌ای از زمرد سبز و درجه‌ای از نور پروردگار عالمیان است. و ادامه داد تا آن‌که در بیان زکات گفت: همانا هر کس مال پاک خود را برای زکات بپردازد، خداوند به تعداد هر دانه‌ای از آن در بهشت قصری از طلا و قصری از نقره و قصری از مروارید و قصری از زبرجد و قصری از زمرد و قصری از گوهر و قصری از نور پروردگار عالمیان به او می‌بخشد.

حضرت صادق علیه السّلام فرمود: خداوند را دوازده هزار عالم است، هر عالمی بزرگ‌تر از هفت آسمان، زمین. که هیچ‌کدام از ساکنان عوالم برای خدا عالمی غیر خود نمی‌دانند، من بر تمام آن‌ها حجت هستم. رسول خدا صلی اللَّه علیه و اله فرمود: هفت آسمان در برابر کرسی نیستند جز حلقه‌ای افتاده در زمین بیابان پهناور، فضل و فزونی عرش بر کرسی هم‌چون فزونی بیابان پهناور بر آن حلقه است.

رسول خدا صلی اللّٰه علیه و آله؛ کسی که مسجدی در دنیا بسازد، خداوند در در برابر هر ذراع از آن، شهری از طلا، نقره، درّ، یاقوت، زمرد، زبرجد و مروارید برای او می‌سازد که وسعت آن به اندازه‌ی پیمودن راهی که چهل هزار سال وقت لازم است؛ در هر شهری چهل میلیون قصر؛ در هر قصری چهل هزار خانه؛ در هر خانه‌ای چهل میلیون اتاق؛ در هر اتاقی چهل میلیون تخت؛ بر هر تختی چهل میلیون همسر از حور العین وجود دارد. و نیز در هر اتاقی چهل میلیون پسر نابالغ خدمت‌گزار، چهل میلیون دختر نابالغ خدمت‌گزار و چهل میلیون سفره غذا وجود دارد؛ بر هر سفره‌ای چهل میلیون سینی بزرگ و در هر سینی چهل میلیون نوع غذا هست و خداوند چنان قدرتی به او عطا می‌فرماید که بتواند در یک روز از همه این همسران و غذاها استفاده کند.

در روز بیست و هشتم ماه رمضان؛ خدا در بهشت خلد صد هزار شهر نور به شما دهد و در جنة الماوی صد هزار کاخ نقره و در جنة الفردوس صد هزار شهر و در هر شهری صد هزار منبر مشک که در درون هر منبری هزارخانه از زعفران است و در هر خانه هزار تخت از در و یاقوت و بر هر تختی همسری از حورالعین. امام زین العابدین علیه‌السلام: کسی که در دنیا پی توانگری با ثروت و رفاه است، در حقیقت، آن‌ها را برای آسایش می‌جوید، حال آن‌که آسایش، در دنیا و برای اهل دنیا آفریده نشده است؛ بلکه آسایش، در بهشت است و برای بهشتیان، خلق شده.

هر گاه ادعیه عشرات را در صبح و شام قرائت کنید، به نوشتن ثواب آن هزار هزار فرشته مشغول می‌شوند. خدا هزار هزار فرشته را موکّل می‌کند که برای تو استغفار کنند. به هر فرشته‌ای قوّت هزار هزار سخنگو داده می‌شود و برای تو در دار السّلام هزار خانه در صد عمارت بنا می‌شود و در بهشت فردوس هزار خانه در صد قصر بنا می‌شود و در جنّات عدن هزار هزار شهر (از طلا، نقره، یاقوت، الماس، نور و...) بنا می‌شود و با تو در قبر نوشته‌ای باشد که (بر تو بیم و ترس نیست. برای تو تشویش و اضطرابی در وقت گذشتن از پل صراط نخواهد بود و برای تو عذاب جهنم نخواهد بود)

سوره المعارج آیه۳و۴

مِّنَ اللَّهِ ذِی الْمَعَارِجِ

از سوی خداوندی که فرشتگانش بر آسمان‌ها صعود می‌کنند

تَعْرُجُ الْمَلَائِکَهُ وَ الرُّوحُ إِلَیْهِ فِی یَوْمٍ کَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِینَ أَلْفَ سَنَه

فرشتگان و روح (آن فرشته مقرّب خداوند) به سوی او عروج می‌کنند در روزی که مقدارش پنجاه هزار سال است.

زمانی که نور کاملا مرا در خود فرو برد انفجاری از خلسه و عشق از شکم من آغاز شد و تا داخل نور گسترش یافت. به زودی من خود به نور تبدیل شدم و معصومیت، عشق، خلسه، آرامش، زیبایی و آگاهی نور را به دست آوردم. همانند مادری که کودکی را در آغوشش حمل می‌کند نور مرا با سرعتی زیاد به سمت بالا برد. نور خودش با من صحبت کرد و من دانستم که او خداست، قدرتی که کل دنیا را آفریده است. نور به من گفت این اولین بهشت نورانی شفاف که من در آن هستم (که یک میلیون بار درخشان‌تر از هر عشقی بود که من تاکنون روی زمین تجربه کرده بودم) مملو از سیارات بهشتی بی‌شماری است. در آن‌جا بدن من هنوز فرم انسانی داشت اما چنان نور سفیدی از آن ساطع می‌شد که چشمانم نمی‌توانستند باور کنند. من می‌توانستم تا میلیون‌ها مایل دورتر را به وضوح ببینم. صدای آواز فرشتگان آن‌چنان زیبا و پرقدرت و باشکوه بود که من احساس کردم ارتعاشات صوتی آن‌ها مملو از بصیرت و دانش است.

(خیلی پیچیده) احساس کردم که این ارتعاشات صوتی در واقع زندگی و امکان‌های بی‌شمار در این جهان را خلق می‌کنند: این صوت‌های فرشته‌ها فقط آواز خوانی برای شادی و لذت نبودند بلکه فرشته‌ها با صدای خود در حال آفرینش بودند. من به سرعت از این بهشت سوم هم گذشتم و به بهشت چهارم رفتم که در آن شکوه و جلوه‌ی خدا بسیار نورانی بود.

به من گفته شد که بهشت دوم نیز مملو از سیاره‌های بهشتی بی‌شمار است. هر چه طبقه‌ی بهشت بالاتر می‌رفت شکوه کیفیت‌های موجود در نور یک میلیون برابر بیشتر می‌شد. نورانیت و زیبایی زندگی در این بهشت‌ها برای یک ذهن به تنهایی و در حالت جدا افتاده از نور غیر قابل تصور است. من به جایی برده شدم که خلسه و عشق آن‌چنان نیرومند بودند که من به سختی می‌توانستم سطوح انرژی کیهانی و خلسه را بیش از آن تحمل کنم. رحمت خدا، زیباترین و شاعرانه‌ترین کیفیت خدا مانند میلیون‌ها برگی که هماهنگ با هم می‌افتند سرازیر بودند و خلسه و شکوه را به حدی آرامش بخش و خالص می‌کردند که من نمی‌توانستم تحمل کنم. من می‌توانستم یک فصل کامل در مورد رحمت بنویسم ولی باز هم حق مطلب را ادا نکرده باشم. سپس من به بهشت پنجم برده شدم. در این‌جا بدنم مانند یک خورشید بزرگ بود و دیگر هیچ فرم انسانی نداشت. نور و شکوه این‌جا در زبان نمی‌گنجید. چیزی که در این مکان جریان داشت به راستی برای موجودات انسانی غیر قابل باور بود. من مدتی آن‌جا ماندم و سپس به بهشت ششم برده شدم، که یک میلیون بار درخشان‌تر از بهشت پنجم بود.

من در مورد این‌که خدا چقدر در آن‌جا نورانی بود حرفی نخواهم زد. فرشتگان چنان بلند آواز می‌خواندند که هیچ گوش انسانی نمی‌توانست این موسیقی را بشنود. بدن من یک خورشید درخشان‌تری بود که با نور مرکزی خدا ترکیب شده بود.

سپس من به بهشت هفتم برده شدم و چیزی که در این‌جا رخ می‌داد بسیار فراتر از تحمل من بود. خدا من را پایین آورد. من تنها ده ثانیه در بهشت هفتم ماندم. تمام کهکشان‌ها می‌توانستند خیلی راحت با نور آن‌جا ایجاد شده باشند. هر مخلوقی که بتواند آن‌جا برود میلیون‌ها سال تکامل یافته‌تر از من است. فکر کردن به این‌که در هر کدام از این بهشت‌های بالاتر نور و عظمت معصومیت، عشق، خلسه، آرامش، نیرو، زیبایی، رحمت و دانش چندین مرتبه بالاتر از بهشت قبلی است باعث می‌شود که گذشتن و زندگی کردن (در بهشت‌های بالاتر) بسیار مشکل به نظر آید.

امام صادق علیه‌السلام فرمود: آتش دنیوی جزء کوچکی معادل یک‌هفتادم آتش جهنم است. آن آتش، هفتاد بار با آب خاموش گشته است، اما باز روشن می‌شود و شعله می‌کشد. اگر چنین نبود، آدمی می‌توانست آن را خاموش کند. آتش دنیا را در روز قیامت می‌آورند تا بر آتش جهنم قرار دهند.

اما آتش حقیر دنیا، چنان ناله‌ای سر می‌دهد که از وحشت ناله این آتش، فرشتگان مقرب و پیامبران مرسل، همگی زانو بر خاک می‌نهند.

امام باقر فرمود: در جهنم وادی هست که غسّاق نام دارد و در آن سیصد و سی قصر هست که در هر یک از آن سیصد و سی خانه هست و در هر خانه سیصد و سی عقرب هست که در هر عقرب سیصد و سی قُلّه زهر وجود دارد اگر یک عقرب سم خود را بر جهنمیان بریزد، همه را آلوده می‌کند. پیامبر فرمود: آن‌گاه آوازی هول‌انگیز شنیدم که مرا به وحشت انداخت جبرئیل گفت می‌شنوی؟ گفتم آری، گفت این سنگی است که من هفتاد سال قبل از لب جهنم به داخل آن پرتاب کرده‌ام الان در قعر جهنم جای گرفت و رسول خدا از آن به بعد تا زنده بود بر لب خنده‌ای نداشت.

أُولَئِکَ الَّذِینَ لَیْسَ لَهُمْ فِی الْآخِرَةِ إِلَّا النَّارُ وَ حَبِطَ مَا صَنَعُوا فِیهَا وَ بَاطِلٌ مَّا کَانُوا یَعْمَلُونَ

کسانی که زندگی دنیا و زینت آن را بخواهند، (نتیجه) اعمالشان را در همین دنیا برای آنان به طور کامل می‌دهیم. و چیزی در (دنیا) از آن‌ها کم و کاست نخواهد شد. (ولی) آن‌ها کسانی هستند که در آخرت، جز آتش، (سهمی) نخواهند داشت. و آن‌چه را در دنیا انجام دادند، نابود می‌شود. و آن‌چه را عمل می‌کردند، باطل و بی‌اثر خواهد شد.

رسول خدا صلی اللّه علیه و اله فرمود: چون خدا عرش را آفرید ۳۶۰ هزار رکن برایش آفرید، و در هر رکنی ۳۶۰ هزار فرشته آفرید که هرگاه خدا به کوچک‌ترین آن‌ها اجازه فرماید تا هفت آسمان و هفت زمین را ببلعد، (در وصف عظمت آن) میان دو آرواره‌اش چون ریگی در بیابانی پهناور باشد، پس خدا به آن‌ها فرمود: ای بنده‌هایم عرش را بردارید سپس بر آن هم‌دست شدند و نتوانستند آن را بردارند و نه این‌که آن را بجنبانند، و خدا با هر کدام یکی دیگر آفرید، و نتوانستند او را از جا برکنند، و خدا با هر یک ده تا آفرید و نتوانستند آن را بجنبانند، و خدا به شماره هر یک، مانند همه آن‌ها را آفرید، و باز هم نتوانستند آن را بجنبانند، خداوند عزوجل به همه فرمود: آن را به من وانهید تا به نیروی خودم نگه‌اش دارم. خدا فرشته‌ای دارد به نام "خرقائیل" که ۱۸ هزار بال دارد که میان هر دو بالش پانصد سال راه است، به خاطرش رسید که آیا بالای عرش چیزی است؟ خدا بال‌هایش را دو برابر کرد و دارای ۳۶ هزار بال شد که میان هر دو بال پانصد سال راه بود، سپس خدا به او وحی کرد بپر! ای فرشته!، و او ۲۰ هزار سال پرید و بر سر یک ستون عرش نرسید، و خدا بال و نیرویش را دو چندان کرد و به او فرمان داد که بپرد، پس ۳۰ هزار سال دیگر پرید و باز هم نرسید، و خدا به او وحی کرد: ای فرشته اگر تا دمیدن صور با بال هایت بپری به ساق عرشم نمی‌رسی، آن فرشته گفت: "سبحان ربی الاعلی" (منزّه باد پروردگار والاترم) سپس خداوند فرو فرستاد "سَبِّحِ اسْمَ رَبِّکَ الْأَعْلَی" که پیغمبر صلی اللّه علیه و اله فرمود: آن را در ذکر سجده وارد کنید.

در دیگر روایتی از نبی اکرم نقل شده؛ «خداوند ۱۰۰ هزار قندیل آفرید و به عرش آویزان کرد تمام آسمان‌ها و زمین و آن‌چه در آن است حتی بهشت و جهنم در یک قندیل است و هیچ‌کس جز خداوند نمی‌داند که در بقیه قندیل‌ها چه خبر است.»

علی بن ابراهیم به سندش تا امیرالمؤمنین علیه‌السلام آورده که فرمود؛ ستاره‌هایی که در آسمان وجود دارند شهرهایی به مانند شهرهایی که در زمین‌اند هستند و هر کدام از آنان با ستونی از نور وابسته و متصل‌اند که درازیش در طول آسمان، مسافت ۲۵۰ سال می‌باشد.

دانشمند یهود خطاب به محمد مصطفی؛ به من بگو از درازا و پهنای هر آسمان و از بلندی آن و از ساکنانش؛ درازای هر آسمانی پانصد سال و پهنایش پانصد سال و میان هر دو آسمان پانصد سال و ساکنان هر آسمانی سپاهی از فرشته‌ها که شمار آن‌ها را جز خدای تعالی نداند. به من بگو آسمان دوم، سوم، چهارم، پنجم، ششم و هفتم از چه آفریده شده است؟ دوم از ابر، سوم از یک زبرجد سبز، چهارم از طلای سرخ، پنجم از یاقوت سرخ، ششم از نقره سپید، هفتم از طلا بگو به من بالای آسمان هفتم چیست؟ دریای زندگانی، دریای ظلمت، دریای نور، حجاب‌ها، سدرالمنتهی، جنت الماوی، حجاب مجد، حمد، جبروت، عزت، عظمت، کبریا سپس کرسی و در نهایت عرش.

حاملان عرش هشتاد دسته در ازای هر دسته یک میلیون فرسخ و عرض آن پانصد سال، سرشان زیر عرش است و پاهاشان زیر هفت زمین و اگر پرنده‌ای از این گوش آن‌ها پرد، تا هزار سال دنیا بگوش دیگر نرسد تا از پیری بمیرد؛ جامه‌هاشان از در و یاقوت است؛ مویشان چون زعفران خوراکشان تسبیح و نوشابه‌شان تهلیل. دسته یکم نیمی برف و نیمی آتش نه آتش برف را آب کند و نه برف آتش را خاموش کند. دسته دوم نیمی رعد و نیمی برق. دسته سوم نیمی آب و نیمی باد، نه باد آب را به هیجان آرد و نه آب از باد پیش افتد.

حمد لک ربی

شکر لک ربی

مجد لک

الحمدلله و الشکرلله یاعلیم

لک الحمد

سبحان الله العظیم

الحمدلله و الشکرلله یاحلیم

لک الحمد

سبحان اللّٰه العظیم

تحوینا دوما یارحمان

بالرحمة و الغفران

حمد لک یامنان

اللّٰه اللّٰه

و عظیم جمالک یااللّٰه

یبدو حسن ماأحلاه

فی خلقک یارباه

الحمدلله و الشکرلله یاعلیم

لک الحمد

سبحان اللّٰه العظیم

الحمدلله و الشکرلله یاحلیم

لک الحمد

سبحانک یا ذاالخیر و الفضلی و الکرام

حمد لک ربی

شکر لک

خدایا بر تو هزاران شکر

روز و شب غیر از نام

تو به لبم نرود

اللّٰه اللّٰه

دادی نعمت‌های بی‌پایان

این همه را جبران

هر چه کنم نشود

الحمدلله و الشکرلله یاعلیم

لک الحمد

سبحان اللّٰه العظیم

الحمدلله و الشکرلله یاحلیم

لک الحمد

سبحان اللّٰه العظیم

کریم لطیف

حمد لک ربی

شکر لک ربی

مجد لک

سوره الفصلت آیه۱۲

فَقَضَاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ فِی یَوْمَیْنِ وَ أَوْحَیٰ فِی کُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا وَ زَیَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْیَا بِمَصَابِیحَ وَ حِفْظًا ذَٰلِکَ تَقْدِیرُ الْعَزِیزِ الْعَلِیمِ

آن‌گاه آن‌ها را بصورت هفت آسمان در دو روز [= دو دوران] آفرید، و در هر آسمانی امر (و برنامه) آن (آسمان) را وحی (و مقرّر) فرمود، و آسمان پایین را با چراغ‌هایی [= ستارگان] زینت بخشیدیم، و (با شهاب‌ها از رخنه شیاطین) حفظ کردیم. این است تقدیر خداوند توانا و دانا.

حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب فرمود: من به راه‌های آسمان‌ها آشناتر از راه‌های زمین هستم؛ ما اسم پنهان(اسرارآمیز) کتاب خداوند هستیم؛ ما اسماء حسنی هستیم که وقتی خدا را به آن اسم‌ها بخوانند، جواب خواهد داد؛ ما نام‌های نوشته‌شده بر عرش بزرگ هستیم؛ به واسطه ما خداوند عزوجل آسمان‌ها، زمین، کرسی، عرش، بهشت و جهنم را آفرید؛ ملائکه از ما تسبیح، تقدیس، توحید، تهلیل و تکبیر را آموختند؛ ما همان کلماتی هستیم که آدم از خدا دریافت کرد و پروردگار توبه‌اش را پذیرفت.

رسول خدا صلی اللَّه علیه و آله و سلم «هَلْ أَتی عَلَی الْإِنْسانِ» را تا پایان خواند، سپس فرمود: راستی من می‌بینم آن‌چه را شما نمی‌بینید و می‌شنوم آن‌چه را شما نمی‌شنوید، آسمان سنگین است و می‌سزد که سنگین باشد، در آن جای چهار انگشت نیست جز آنکه فرشته‌ای در آن سر به سجده دارد، به خدا اگر آن‌چه می‌دانم می‌دانستید کم می‌خندیدید و پر می‌گریستید، و با زنان هم‌بستر نمی‌شدید که کام گیرید، و به تپه‌ها بر می‌آمدید و به خدای عزوجل پناهنده می‌شدید.

علی بن حسین علیه السلام فرمودند: همانا خداوند عزوجل عرش را در چهار مرحله خلق کرد و قبل از آن تنها سه‌چیز آفریده بود؛ هوا، قلم و نور. سپس از آن نورهای مختلفی به وجود آورد، و از جمله آن نورها، نور سبز است که رنگ‌های سبز، زرد، سرخ و سفید از آن پدید آمده است و نور سفید، نور تمامی نورهاست که روشنایی صبح نیز از آن گرفته شده است. سپس عرش را هفتاد طبقه گردانید. استحکام هر طبقه‌ای از عرش، به مانند استحکام ابتدای عرش تا پایین‌ترین مکان آن می‌باشد و در هر طبقه‌ای فرشتگانی تسبیح خدای عزوجل را می‌گویند و با آواهایی متفاوت و زبان‌هایی مختلف به تقدیس او می‌پردازند و اگر به یکی از آن زبان‌ها اجازه داده شود تا صدایش را به قسمت پایین خود برساند، کوه‌ها، شهرها و دژها نابود می‌شوند و دریاها منفجر می‌گردند و هر آن چه در پایین آن ملائکه قرار دارد، هلاک می‌شود.

عرش هشت ستون دارد و هر ستونی را تعدادی بی‌شمار از فرشته که عددشان را تنها خدا می‌داند، حمل می‌کنند و در شب و روز خدا را تسبیح می‌گویند و از این کار خسته نمی‌شوند و اگر به اندازه یک چشم به هم زدن، احساسی از آن چه بالای عرش است، به چیزی منتقل شود، او احساس جبروت و کبریا و عظمت و پاکی و رحمت علم خداوند را در می‌یابد و هیچ گفته‌ای بالاتر از این وجود ندارد.

سوره؛ زمرد،الأعراف،غافر،رحمن آیات؛ ۷۵،۵۴،۶۴،۷۸

وَ تَرَى الْمَلَائِكَةَ حَافِّينَ مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَ قُضِيَ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَ قِيلَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

(در آن روز) فرشتگان را می‌بینی که بر گرد عرش حلقه زده‌اند و پروردگارشان را حمد و تسبیح می‌گویند. و در میان آنان به‌حق داوری می‌شود. و گفته خواهد شد: «حمد و ستایش مخصوص خداوندی است که پروردگار جهان‌یان است.»

فَلِلَّهِ الْحَمْدُ رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَ رَبِّ الْأَرْضِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

پس ستایش مخصوص خداست، پروردگار آسمان‌ها و پروردگار زمین و پروردگار همه جهان‌یان

أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَ الْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ

آگاه باشید که آفرینش و تدبیر (جهان)، از آن او (و به فرمان او) است! پر برکت و بی‌زوال است خداوندی که پروردگار جهانیان است

ذَلِکُمُ اللَّهُ رَبُّکُمْ فَتَبَارَکَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِینَ

این است خداوند پروردگار شما. زوال‌ناپذیر و پر برکت است خداوندی که پروردگار جهانیان است

تَبَارَکَ اسْمُ رَبِّکَ ذِی الْجَلَالِ وَ الْإِکْرَامِ

پر برکت و زوال‌ناپذیر است نام پروردگار صاحب جلال و بزرگ‌وار تو